

مدل سازی اجتناب مالیاتی با استفاده از اطلاعات حسابداری: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران

دکتر شکراله خواجهی*

محمد کیامهر**

چکیده

اجتناب از مالیات، یک نوع سوءاستفاده رسمی از قوانین مالیاتی است. عوامل متعدد اقتصادی، اجتماعی و روانشناسی را می‌توان به‌عنوان دلایل اجتناب از پرداخت مالیات ذکر کرد. در ایران به دلیل محرمانه بودن اطلاعات، عدم تطبیق آمارهای مراکز مختلف، ناتوانی در استفاده از روش‌های مستقیم اندازه‌گیری و... نمی‌توان تخمین دقیقی از این مقوله انجام داد. هدف این پژوهش، مدل‌سازی اجتناب از پرداخت مالیات با استفاده از داده‌های حسابداری در بورس اوراق بهادار تهران است. بدین منظور اطلاعات کلی شرکت‌ها در فاصله زمانی ده‌ساله ۱۳۸۳ الی ۱۳۹۲ بررسی شده و ۴۹۰ سال شرکت انتخاب گردید و به مدل‌سازی اجتناب مالیاتی با استفاده از تکنیک مدل‌سازی معادلات ساختاری پرداخته شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که حاکمیت شرکتی بر اجتناب مالیاتی تأثیرگذار است، به‌طوری‌که با افزایش سازوکارهای حاکمیت شرکتی، اجتناب مالیاتی کاهش می‌یابد. همچنین حاکمیت شرکتی به‌طور غیرمستقیم (از طریق متغیر میانجی کیفیت گزارشگری مالی) بر اجتناب مالیاتی تأثیرگذار است. سایر نتایج پژوهش نیز نشان می‌دهد کیفیت حسابداری بر اجتناب مالیاتی تأثیرگذار است به‌طوری‌که با افزایش کیفیت

*دانشیار بخش حسابداری، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

**دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

نویسنده مسئول مقاله: شکراله خواجهی (Email: shkhajavi@rose.shirazu.ac.ir)

تاریخ پذیرش: ۹۵/۴/۵

تاریخ دریافت: ۹۴/۸/۲۵

حسابرسی، اجتناب مالیاتی کاهش می یابد. همچنین کیفیت حسابرسی به طور غیرمستقیم (طریق متغیر میانجی کیفیت گزارشگری مالی) بر اجتناب مالیاتی تأثیرگذار است.

واژه های کلیدی: اجتناب از پرداخت مالیات، مدل سازی معادلات ساختاری، اطلاعات حسابداری، بورس اوراق بهادار تهران.

مقدمه

مالیات یک مبحث راهبردی، زیربنایی و پویاست که نقش اساسی و محوری در تحقق برنامه های توسعه ملی هر کشوری مانند کشور ما ایفا می کند. امروزه مالیات جدای از نقش اصلی خود یعنی تأمین بخشی از هزینه ها، به عنوان یک اهرم تأثیرگذار در اجرای سیاست های انبساطی و انقباضی دولت در بودجه بندی بخش های مختلف کشور مورد توجه است؛ بنابراین لزوم تحقق درآمدهای مالیاتی برای توسعه همه جانبه کشور بیش از پیش احساس می شود. در کشورهای در حال توسعه، به طور معمول ۵۰ درصد یا بیشتر از درآمد بالقوه مالیاتی، وصول نمی شود (برد^۱، ۱۹۹۲). در اقتصاد نوظهور ایران نیز، اجتناب مالیاتی می تواند یکی از بزرگ ترین مشکلاتی باشد که سیستم مالیاتی با آن مواجه است.

اجتناب از پرداخت مالیات را استفاده قانونی از نظام مالیاتی برای منافع شخصی، به منظور کاهش مقدار مالیات قابل پرداخت به وسیله ابزارهایی که در خود قانون است، تعریف کرده اند. براساس تعریف اسلیمرد^۲ (۲۰۰۴) نوع مشروع اجتناب از پرداخت مالیات از تفاوت بین قوانین مالیاتی و اصول پذیرفته شده حسابداری ناشی می شود.

اجتناب و فرار مالیاتی، توان رقابتی عوامل اقتصادی را به نفع آنهایی که مالیات پرداخته اند، تغییر می دهد و از این بابت شکاف بین گروه های مختلف درآمدی را بیشتر خواهد کرد. چنانچه برای پیشگیری از فعالیت هایی که منجر به عدم پرداخت مالیات می شود چاره اندیشی نشود، ممکن است، افراد دیگر نیز به منظور افزایش توان مالی خود به این کار ترغیب شوند و به دلیل تأثیر رفتار اجتماعی افراد بر یکدیگر، به تدریج مقبولیت عمومی یافته و گسترش یابد.

از طرفی عوامل مؤثری بر اجتناب از پرداخت مالیات می تواند مؤثر باشد. کیفیت حسابرس و حسابرسی (خواجهی و کیامهر، ۱۳۹۴)، تخصص حسابرس (خانی و دیگران، ۱۳۹۲)، ویژگی های شرکت (ریگو^۳، ۲۰۰۳)، ساختار مالکیت (لیم^۴، ۲۰۱۱) و ... در برخی از این پژوهش ها، اجتناب مالیاتی به عنوان متغیر وابسته و در برخی به عنوان متغیر مستقل مورد بررسی قرار گرفته است. حال این سؤال مطرح می شود که کدام یک از این رویکرد- های اتخاذ شده در مطالعات بالا صحیح است؟ ارتباط بین این متغیرها چگونه است؟ ارتباط بین اجتناب مالیاتی و سازوکارهای اجتناب مالیاتی چگونه است؟ آیا کیفیت گزارشگری مالی، بر ارتباط بین اجتناب مالیاتی با سازوکارهای حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی، نقش دارد؟ آیا می توان، الگویی ارائه داد که در بورس اوراق بهادار تهران، اجتناب از پرداخت مالیات را تبیین نماید؟

ادبیات و پیشینه پژوهش

مبانی نظری و مدل های پژوهش

روابط ساختاری و وابستگی متقابل میان پرداخت کنندگان مالیات، صاحب نظران و مقامات مالیاتی به صورت تحلیلی و تحت عنوان «بازی مالیاتی»^۵ توصیف می شود. پذیرش مالیات و همچنین گریز و اجتناب از پرداخت آن، فرایندهایی هستند که افراد به صورت مستقیم یا غیرمستقیم و در تبادل با یکدیگر انجام می دهند؛ اما از زمانی که مالیات بندی تبدیل به یک فرایند بسیار ساختاریافته ای از نهادهای سازمان یافته شد (مانند پرداخت- کنندگان مالیات، صاحب نظران مالیات، مقامات مالیاتی و قانون گذاران) رفتار مالیاتی افراد در نقش ها و معیارهای ساختارهای اجتماعی قرار گرفت و تحت تأثیر آن ها باقی ماند. انتظار می رود که نقش و مدل های خاصی از پرداخت کنندگان و نیز سایر ایفاکنندگان بازی مالیات وجود داشته باشد. بازی مالیاتی شامل تبادل استراتژیک پرداخت کنندگان مالیات، مقامات مالیاتی، مراجع مالیاتی و قانون گذاران مالیاتی می شود. در مرکز این بازی، مراجع مالیاتی با پرداخت کنندگان مالیات به روش سلسله مراتبی و بسیار رسمی تبادل می کنند. فرار مالیاتی در کنار پذیرش مالیاتی، یک استراتژی پرداخت کنندگان در بازی محسوب

می‌شود. در این گونه مدل‌سازی، پژوهشگران به دنبال پاسخ به این سؤالات هستند: چه موقع، چگونه و چرا پرداخت‌کنندگان با قوانین مالیاتی موافق نیستند یا هستند (پیکه‌ارت و پرینتر، ۲۰۱۴).

بررسی تاریخیچه مدل‌های اجتناب و فرار مالیاتی، با توجه به تعدد رویکردها، نشان می‌دهد که این مدل‌ها اصولاً از تئوری‌ها و نتایج زیر حاصل می‌شوند: تئوری اقتصادی- روانشناسی مانند مطالعات گوردن^۷ (۱۹۸۹). نتایج تجربی و آزمایشگاهی مانند مطالعات تارگلر^۸ (۲۰۰۷)؛ آلم و جاکوبسون^۹ (۲۰۰۷) و آلم^{۱۰} (۲۰۱۲).

مدل‌سازی تحلیل عاملی توسط روش‌های اقتصادی مانند مطالعات بلومکویست^{۱۱} (۲۰۱۱). تعدد روش‌ها نشان‌دهنده پیچیده بودن بحث مالیات‌گریزی و توافقات ضمنی مالیاتی است. هرچند به نظر می‌رسد این روش‌ها، علی‌رغم رقابتی که با یکدیگر بر سر تبیین این موضوع دارند، مکمل یکدیگرند.

با توجه به موارد فوق، مدل مفهومی این پژوهش و ارتباط بین آنها، به شرح زیر است:



شکل شماره ۱. مدل مفهومی پژوهش

پیشینه پژوهش

میدو و شاکلفورد^{۱۲} (۲۰۰۵)، در پژوهشی به بررسی تغییر نقش حساب‌برسان در برنامه-ریزی مالیاتی شرکت‌ها برای مالیات‌بندی درآمد شرکت‌ها در قرن بیست و یکم پرداخته و

به این نتیجه رسیدند که بین خدمات حسابرسی و مالیاتی، رابطه پایداری وجود دارد و به همین دلیل است که شرکت‌ها به خرید خدمات از حسابرس خود تمایل نشان می‌دهند.

ویلسون^{۱۳} (۲۰۰۹)، نیز در مطالعه خود به ارائه مدلی برای پیش‌بینی اجتناب مالیاتی با استفاده از ویژگی‌های خاص شرکت پرداخت. یافته‌های وی نشان داد در شرکت‌هایی که اقدام به اجتناب از پرداخت مالیات می‌کنند، تفاوت بین سود حسابداری و سود مشمول مالیات ابرازی بیشتر بوده و این شرکت‌ها از رویه‌های گزارشگری مالی متهورانه‌تری استفاده می‌کنند. علاوه بر این شرکت‌هایی که اقدام به اجتناب مالیاتی می‌کنند، بازده‌های مثبت و غیرعادی بیشتری را نشان می‌دهند.

ریگو و ویلسون^{۱۴} (۲۰۱۲)، معتقدند اجتناب مالیاتی یک فعالیت پرمخاطره است و می‌تواند هزینه‌های مهمی نظیر پرداخت دستمزد متخصصان مالیات، زمان تخصیص داده شده به شفاف‌سازی حسابرسی مالیاتی و جرائم پرداختی به متصدیان مالیاتی را به شرکت و مدیران تحمیل کند. لذا، مدیران خطرگریز ترجیح می‌دهند، برنامه‌ریزی‌های مالیاتی کم-خطرتری را طرح‌ریزی کنند.

ریچاردسون و دیگران^{۱۵} (۲۰۱۴) به این موضوع پرداختند که آیا مشوق‌های اعطایی به مدیران، باعث کاهش اجتناب مالیاتی می‌گردد. نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد که موقعیت مالیاتی شرکت، تخصص مالیاتی مدیران و مشوق‌های پاداشی وابسته به عملکرد مدیران، به‌طور مثبت و قابل توجهی در تداعی با اجتناب مالیاتی می‌باشند.

آرمسترانگ و همکاران^{۱۶} (۲۰۱۵)، به بررسی ارتباط بین حاکمیت شرکتی، انگیزه‌های مدیریتی و اجتناب مالیاتی پرداختند. مشابه با دیگر فرصت‌های سرمایه‌گذاری که شامل وجه نقد مورد انتظار مخاطره‌آمیز، مشکلات حل نشده نمایندگی، مدیران امکان دارد درگیر جریان اجتناب مالیاتی گردند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که رابطه مثبتی بین استقلال هیئت مدیره و پیچیدگی‌های مالی با سطح پایین اجتناب مالیاتی وجود دارد.

باباجانی و عبدی^{۱۳۸۹}، به بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و سود مشمول مالیات شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. این ارزیابی از

طریق بررسی رابطه بین برخی از معیارهای مهم حاکمیت شرکتی با درصد اختلاف بین سود مشمول مالیات و قطعی صورت گرفت. آن‌ها با در نظر گرفتن ۸۲ شرکت به‌عنوان نمونه به این نتیجه رسیدند که تفاوت معناداری بین میانگین درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی در شرکت‌هایی که معیارهای حاکمیت شرکتی را دارا هستند با گروه شرکت‌هایی که فاقد معیارهای مزبور هستند، وجود ندارد. این در حالی بود که در هر دو گروه شرکت‌ها، درصد اختلاف بین سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی معنادار بوده است.

پورحیدری و سروستانی (۱۳۹۱) تأثیر ویژگی‌های شرکت، نوع صنعت و مالکیت نهادی را بر اختلاف مالیات ابرازی و قطعی بررسی نمودند. نتایج این پژوهش نشان داد از بین ویژگی‌های شرکت، اندازه، فرصت‌های رشد و سودآوری شرکت به‌طور مثبت و معنادار با اختلاف مالیات ابرازی و قطعی شرکت‌های مورد بررسی در ارتباط است. همچنین نتایج نشان داد که نوع صنعت نیز تأثیری معنادار بر روی اختلاف مذکور دارد و مالکیت نهادی تأثیر معناداری بر روی اختلاف مالیات ابرازی و قطعی ندارد.

مدرس و زارعیان برجی (۱۳۹۲)، در پژوهشی به بررسی محتوای اطلاعاتی تفاوت مالیات ابرازی و قطعی و ارتباط آن با کیفیت سود شرکت‌ها پرداختند. نتایج تحقیق حاکی از آن بود که بین تفاوت مالیات ابرازی و قطعی با ارزش بازار سهام و بازده سهام، رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین در شرکت‌های با کیفیت سود پایین، عامل تفاوت مالیات ابرازی و قطعی در ارزیابی عملکرد شرکت‌ها نقش چندانی ایفاء نمی‌کند.

پورحیدری و سروستانی (۱۳۹۲)، عوامل مؤثر بر نرخ مؤثر مالیات را مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش پژوهشگران مزبور بیانگر آن بود که از بین ویژگی‌های خاص شرکت، اندازه شرکت به‌طور منفی نرخ مؤثر مالیاتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین بین نسبت بدهی، شدت سرمایه‌گذاری در موجودی کالا و شدت سرمایه‌گذاری در دارایی‌های ثابت با نرخ مؤثر مالیاتی، رابطه مثبت و معنادار مشاهده نمودند. یافته‌های آنها

بیانگر این بود که نوع صنعت نیز تأثیری معنادار بر نرخ مؤثر مالیاتی دارد و مالکیت نهادی به طور منفی نرخ مؤثر مالیاتی شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

خواجوی و کیامهر (۱۳۹۴)، به بررسی تأثیر کیفیت حسابداری بر اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. معیار «اندازه مؤسسه حسابداری» جهت تعیین «کیفیت حسابداری» و معیار «دوره تصدی» به عنوان «کیفیت حسابداری» در نظر گرفته شد. نتایج تحقیق آنها نشان داد که کیفیت حسابداری (اندازه مؤسسه حسابداری) بر اجتناب مالیاتی شرکت‌های بورسی بر اساس هزینه مؤثر مالیاتی و تفاوت دفتری مالیات، تأثیر مستقیم و معنادار دارد. این در حالی است که کیفیت حسابداری (دوره تصدی حسابداری) بر اجتناب مالیاتی شرکت‌های بورسی تنها بر اساس هزینه مؤثر مالیاتی، تأثیر مستقیم و معنادار دارد.

فرضیه‌های پژوهش

بر اساس مبانی نظری و پیشینه پژوهش و با توجه به مدل مفهومی پژوهش، فرضیه‌های زیر بیان می‌شود:

فرضیه ۱: حاکمیت شرکتی بر اجتناب از پرداخت مالیات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر مستقیم دارد.

فرضیه ۲: کیفیت حسابداری بر اجتناب از پرداخت مالیات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر مستقیم دارد.

فرضیه ۳: حاکمیت شرکتی از طریق کیفیت گزارشگری مالی بر اجتناب از پرداخت مالیات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر دارد.

فرضیه ۴: کیفیت حسابداری از طریق کیفیت گزارشگری مالی بر اجتناب از پرداخت مالیات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر دارد.

متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش و نحوه اندازه‌گیری آنها به شرح جدول شماره ۱ است:

جدول شماره ۱. متغیرهای پژوهش

متغیر پنهان	متغیر آشکار	عنوان در مدل	نحوه اندازه گیری
اجتناب مالیاتی (Tax Avoid)	نرخ مؤثر مالیات تعهدی	ETR	مالیات بر درآمد (زیان قبل از کسر مالیات) سود
متغیر وابسته (درونزا)	نرخ مؤثر مالیات نقدی	CETR	وجه نقد پرداختی بابت مالیات (زیان قبل از کسر مالیات) سود
حاکمیت شرکتی (Govern)	اسقلال هیئت مدیره	IND	نسبت (درصد) تعداد مدیران غیرموظف به کل تعداد اعضای هیئت مدیره
متغیر مستقل (برونزا)	تمرکز مالکیت سهامداران نهادی	OWN INS	درصد سهام اولین سهامدار عمده شرکت از درصد تجمعی سهام شرکت که توسط نهادهای سرمایه گذاری عمده نگهداری می شود به کل سهام منتشره و در دست سهامداران
کیفیت حسابرسی (Q Audit)	اندازه مؤسسه حسابرسی	SIZE	سازمان حسابرسی، یک و سایر مؤسسات صفر
متغیر مستقل (برونزا)	تخصص حسابرس در صنعت	SPEL	اگر حسابرس متخصص صنعت باشد برابر با یک و در غیر این صورت برابر با صفر
کیفیت گزارشگری مالی Q F R	الگوی جونز تعدیل شده	Jones	$\frac{TAC_{it}}{A_{it-1}} = \alpha_1 \left(\frac{1}{A_{it-1}} \right) + \alpha_2 \left(\frac{\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it}}{A_{it-1}} \right) + \alpha_3 \left(\frac{PPE_{it}}{A_{it-1}} \right) + \varepsilon_{it}$
متغیر میانجی	الگوی کازنیک	Kazn	$\frac{TAC_{it}}{A_{it-1}} = \alpha_1 \left(\frac{1}{A_{it-1}} \right) + \alpha_2 \left(\frac{\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it}}{A_{it-1}} \right) + \alpha_3 \left(\frac{PPE_{it}}{A_{it-1}} \right) + \alpha_4 \left(\frac{CFO_{it}}{A_{it-1}} \right) + \varepsilon_{it}$

جامعه آماری، روش نمونه گیری و حجم نمونه

شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، جامعه آماری پژوهش حاضر را تشکیل می دهند. از مجموعه مشاهدات به روش غربالگری یا حذف سامان مند به جامعه و بعد به نمونه مورد نظر می رسیم؛ به این صورت که شرکت های دارای شرایط پنج گانه زیر به عنوان نمونه مورد بررسی، انتخاب و سایر شرکت های بوسیله فاقد شرایط مذکور حذف می گردند.

۱. سال مالی شرکت منتهی به پایان اسفندماه هر سال باشد.
 ۲. طی سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۲ تغییر سال مالی نداشته باشد.
 ۳. اطلاعات مالی موردنیاز به منظور استخراج داده‌های موردنیاز در دسترس باشد.
 ۴. تا پایان سال مالی ۱۳۸۲ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشد.
 ۵. جزء بانک‌ها، شرکت‌های بیمه‌ای مؤسسات مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، شرکت‌های هلدینگ و لیزینگ‌ها) نباشد؛ زیرا افشای اطلاعات مالی و ساختارهای راهبری شرکتی در آنها متفاوت است.
- بر اساس معیارهای فوق، ۴۹۰ سال-شرکت شناسایی گردید. سپس کلیه داده‌ها موردنیاز جهت انجام این پژوهش از بانک‌های اطلاعاتی بورس اوراق بهادار تهران، نرم‌افزار ره‌آورد نوین و نشریه‌های بورس جمع‌آوری گردید.

ابزار تجزیه و تحلیل

در این پژوهش در خصوص تجزیه و تحلیل داده‌ها، ابتدا با استفاده از نرم‌افزارهای Excel و SPSS متغیرهای پژوهش از روی داده‌های خام، آماده و سپس با استفاده از نرم‌افزار SmartPLS تجزیه و تحلیل نهایی انجام شد. مراحل انجام مدل‌سازی معادلات ساختاری در PLS به این ترتیب است که ابتدا به بررسی برازش مدل (شامل برازش مدل-های اندازه‌گیری، برازش مدل ساختاری و برازش مدل کلی) خواهیم پرداخت و سپس به آزمودن فرضیه‌های پژوهش پرداخته می‌شود.

علاوه بر مراحل فوق، برای آزمودن تأثیر یک متغیر میانجی، از «آزمون سوبل^{۱۷}» و برای تعیین شدت تأثیر متغیر میانجی، از آماره‌ای به نام VAF^{18} استفاده خواهد.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

آمار توصیفی متغیرهای آشکار پژوهش به شرح شماره ۲ است:

جدول شماره ۲. آمار توصیفی									
CETR	ETR	JENSE	KAZEN	INDEP	INS	OWN	SIZE	SPEL	
۰/۲۶۸	۱/۰۷۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۶۲۵	۰/۸۳۵	۰/۷۷۳	۰/۲۸۶	۰/۶۷۱	میانگی ن
۰/۱۱۱	۰/۴۴۳	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۶۰۰	۰/۸۵۰	۰/۷۸۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	میانه
۵۲/۵۵۵	۲۱۰/۲۱۹	۰/۴۷۱	۰/۴۸۳	۱/۰۰۰	۱/۰۰۴	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	حداک ثر
-۱/۲۰۹	-۴/۸۳۷	-۰/۷۱۷	-۰/۷۰۸	۰/۲۰۰	۰/۰۹۲	۰/۴۵۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	حداقل
۲/۳۸۹	۹/۵۵۵	۰/۱۲۵	۰/۱۲۴	۰/۱۷۷	۰/۱۱۷	۰/۱۲۹	۰/۴۵۲	۰/۴۷۰	انحرا ف معیار

با توجه به جدول فوق، کمترین پراکندگی مربوط به سهامداران نهادی و بیشترین پراکندگی مربوط به نرخ مؤثر مالیات نقدی است.

برازش مدل های اندازه گیری

در برازش مدل های اندازه گیری از سه معیار پایایی، روایی همگرا و روایی واگرا استفاده می شود. پایایی نیز از سه طریق، سنجش بارهای عاملی، آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی بررسی می گردد. مقدار ملاک برای مناسب بودن ضرایب بارهای عاملی ۰/۴ می باشد (هولاند^{۱۹}، ۱۹۹۹). با توجه به ضرایب بین گویه ها و متغیر مکنون در شکل شماره ۲ مشاهده می شود که تمامی متغیرهای دارای مقدار مناسب هستند. ضریب آلفای کرونباخ^{۲۰} و پایایی ترکیبی^{۲۱} نیز در صورتی که بالاتر از ۰/۷ باشد حاکی از پایایی مناسب مدل دارد. مقادیر مربوط برای تمامی سازه ها، بالاتر از ۰/۷ بوده، کیفیت حسابرسی نیز به ۰/۷ نزدیک است و نشان از پایایی مناسب مدل دارد.

جدول شماره ۳. ضرایب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی متغیرهای مکنون

عنوان در مدل	متغیرهای مکنون	ضریب آلفای کرونباخ (Alpha \square 0.7)	ضریب پایایی ترکیبی (Alpha \square 0.7)
اجتناب مالیاتی	Tax Avoid	۰/۹۶۲	۰/۹۸۱
کیفیت گزارشگری مالی	Q F R	۰/۹۶۶	۰/۹۸۳

۰/۹۰۷	۰/۸۴۳	Govern	حاکمیت شرکته
۰/۸۶۴	۰/۶۸۶	Q Audit	کیفیت حسابرسی

روایی همگرا به بررسی میزان همبستگی هر سازه با متغیرهای (شاخص‌ها) خود می‌پردازد. معیار AVE محاسبه شده توسط نرم‌افزار PLS برای این منظور به کار می‌رود. مقدار مناسب برای AVE، ۰/۵ به بالاست. این مقدار برای متغیرهای مکنون اجتناب مالیاتی، کیفیت گزارشگری مالی، حاکمیت شرکته و کیفیت حسابرسی به ترتیب برابر است با ۰/۹۶۴، ۰/۹۶۷، ۰/۷۶۵ و ۰/۷۶۱.

روایی واگرا، سومین معیار بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری است که دو موضوع را پوشش می‌دهد: الف) مقایسه میزان همبستگی بین شاخص‌های یک سازه با آن سازه در مقابل همبستگی آن شاخص‌ها با سازه‌های دیگر. ب) مقایسه میزان همبستگی یک سازه با شاخص‌هایش در مقابل همبستگی آن سازه با سایر سازه‌ها روش فورنل و لارکر^{۲۲} (۱۹۸۱). همان‌گونه که در جدول شماره ۴ مشخص است، تمامی متغیرهای (شاخص‌ها) مربوط به هر یک از سازه‌ها، همبستگی بیشتری نسبت به سایر سازه‌ها دارند. برای نمونه متغیرهای آشکار مربوط به کیفیت حسابرسی عبارتند از اندازه مؤسسه حسابرسی و تخصص مؤسسه حسابرسی که بار عاملی این دو به ترتیب برابر است با ۰/۸۷۶ و ۰/۸۶۹. در نتیجه همبستگی این دو متغیر آشکار با سازه مربوط به خود - کیفیت حسابرسی - بیشتر از همبستگی این دو متغیر با سازه‌های دیگر است. این امر روایی واگرای مناسب مدل را با استفاده از این معیار نشان می‌دهد.

با توجه به جدول شماره ۵، مقدار جذر AVE متغیرهای مکنون در پژوهش حاضر که در خانه‌های موجود در قطر اصلی ماتریس قرار گرفته‌اند، از مقدار همبستگی میان آن‌ها که در خانه‌های زیرین و چپ قطر اصلی ترتیب داده شده‌اند، بیشتر است. از این رو می‌توان اظهار داشت که در پژوهش حاضر، سازه‌ها (متغیرهای مکنون) در مدل، تعامل بیشتری با شاخص‌های خود دارند تا با سازه‌های دیگر. به بیان دیگر، روایی واگرای مدل در حد مناسبی است.

جدول شماره ۴. بارهای عاملی شاخص‌های سازه‌های پژوهش برای بررسی روایی واگرا

متغیرها	اجتناب مالیاتی	کیفیت گزارشگری مالی	کیفیت حسابرسی	حاکمیت شرکتی
درصد اعضاء غیرموظف	۰/۴۹۰	۰/۳۹۵	۰/۳۶۲	۰/۸۰۱
تمرکز مالکیت	۰/۴۳۰	۰/۴۵۶	۰/۴۷۷	۰/۸۷۵
سهامداران نهادی	۰/۴۴۰	۰/۴۴۶	۰/۴۴۸	۰/۹۴۱
اندازه مؤسسه حسابرسی	۰/۵۱۴	۰/۴۷۲	۰/۸۷۵	۰/۴۲۶
تخصص مؤسسه حسابرسی	۰/۵۵۰	۰/۴۰۶	۰/۸۶۹	۰/۴۳۲
مدل جونز تعدیل شده	۰/۵۵۸	۰/۹۸۳	۰/۴۷۸	۰/۴۷۷
مدل کازنیک	۰/۵۵۸	۰/۹۸۴	۰/۵۱۳	۰/۴۹۸
نرخ مؤثر مالیات نقدی	۰/۹۸۱	۰/۵۶۳	۰/۵۹۴	۰/۵۰۵
نرخ مؤثر مالیات تعهدی	۰/۹۸۲	۰/۵۵۰	۰/۶۰۲	۰/۵۱۳

جدول شماره ۵. ماتریس فورنل و لاکر جهت بررسی روایی واگرا

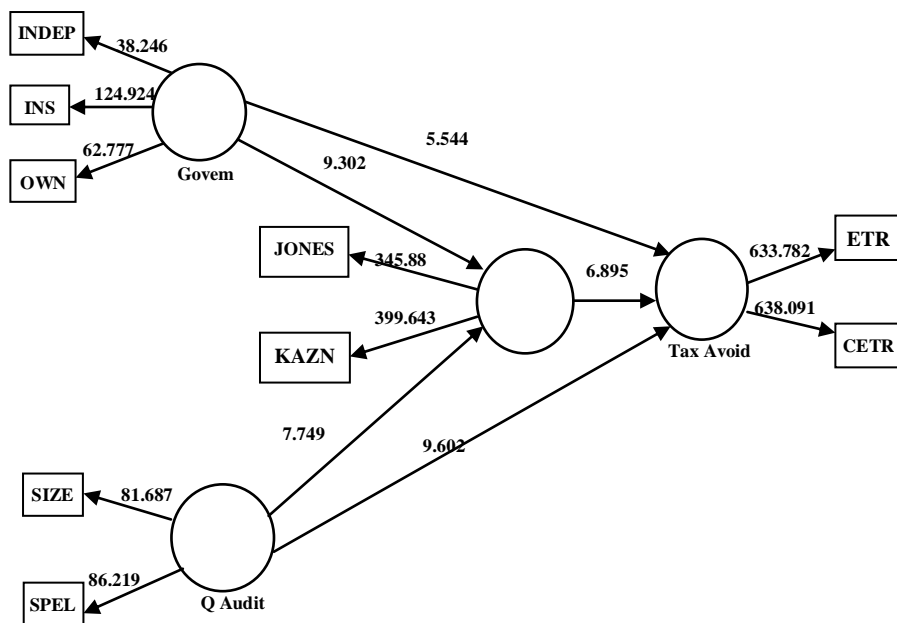
سازه‌ها	اجتناب مالیاتی	کیفیت گزارشگری مالی	کیفیت حسابرسی	حاکمیت شرکتی
حاکمیت شرکتی				۰/۸۷۵
کیفیت حسابرسی			۰/۸۷۲	۰/۴۹۲
کیفیت گزارشگری مالی		۰/۹۸۳	۰/۵۰۴	۰/۴۹۶
اجتناب مالیاتی	۰/۹۷۲	۰/۵۶۷	۰/۶۱۰	۰/۵۱۹

برازش مدل ساختاری

مطابق با الگوریتم تحلیل داده‌ها در روش PLS، بعد از بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری، نوبت به برازش مدل ساختاری پژوهش می‌رسد. بخش مدل ساختاری بر خلاف مدل‌های اندازه‌گیری، به متغیرهای آشکار، کاری ندارد و تنها متغیرهای پنهان را همراه با روابط میان آنها بررسی می‌کند.

ضرایب معناداری Z (مقادیر t-values)

مطابق با الگوریتم، برای بررسی برازش مدل ساختاری پژوهش از چندین معیار استفاده می‌شود که اولین و اساسی‌ترین معیار، ضرایب معناداری Z و مقادیر t است. برازش مدل ساختاری با استفاده از مقادیر t به این صورت است که اگر تعداد نمونه بیشتر از ۱۲۰ باشد، مقادیر بیشتر از ۱/۹۶ در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار بوده و اگر بیشتر از ۲/۶۶ باشد در سطح ۱٪ معنادار می‌باشد (داوری و رضازاده، ۱۳۹۳). همان‌گونه که از شکل زیر مشخص است، ضرایب مربوط به مسیر متغیرهای مکنون همگی از ۱/۹۶ بیشتر است که معنادار بودن مسیرها و مناسب بودن مدل ساختاری را نشان می‌دهد؛ به عبارتی هر چهار فرضیه پژوهش رد نمی‌گردد.

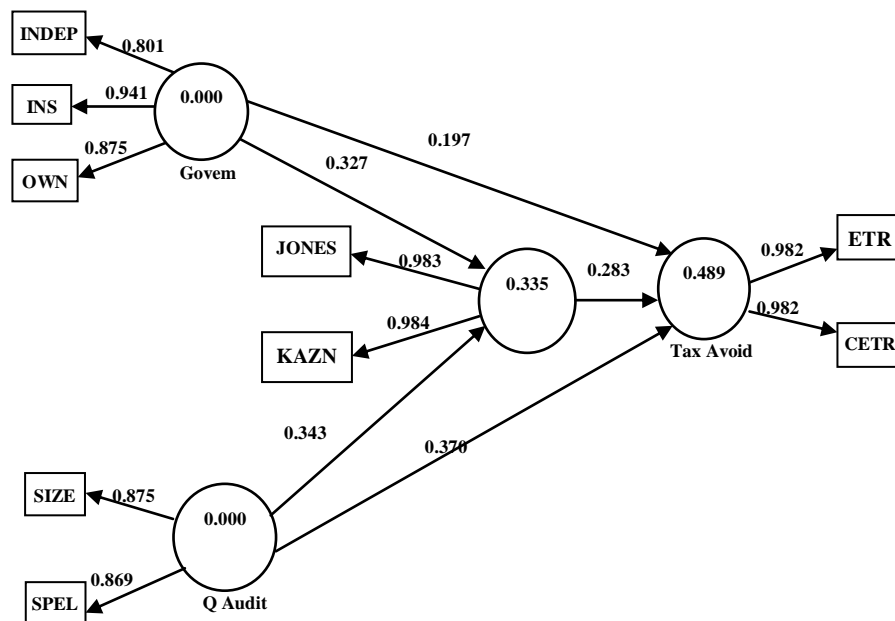


شکل شماره ۲. ضرایب معناداری Z مدل مفهومی پژوهش

معیار R^2

دومین معیار برای بررسی برازش مدل ساختاری در یک پژوهش، ضرایب R^2 مربوط به متغیرهای درون‌زای مدل است. R^2 معیاری است که نشان از تأثیر یک متغیر برون‌زا بر یک متغیر درون‌زا دارد و سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ به‌عنوان مقدار ملاک برای مقادیر

ضعیف، متوسط و قوی R^2 در نظر گرفته می شود (داوری و رضازاده، ۱۳۹۳). مطابق با شکل زیر، مقدار R^2 برای سازه اجتناب مالیاتی و برای سازه کیفیت گزارشگری مالی می باشد. لازم به ذکر است این ضریب برای متغیرهای برونزا محاسبه نمی گردد. مطابق شکل زیر، مقدار برای سازه اجتناب مالیاتی ۰/۴۸۹ و برای سازه کیفیت گزارشگری مالی ۰/۳۳۵ محاسبه شده است که با توجه به مقدار ملاک، مناسب بودن برازش مدل ساختاری را تأیید می کند.



شکل شماره ۳. مقدار R^2 مدل مفهومی پژوهش

معیار Q^2 (Stone-Geisser Criterion)

این معیار، قدرت پیش بینی مدل را مشخص می سازد و در صورتی که مقدار آن در مورد یک سازه درونزا سه مقدار ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ را کسب نماید، به ترتیب نشان از قدرت پیش بینی ضعیف، متوسط و قوی سازه یا سازه های مربوط به آن را دارد (داوری و رضازاده، ۱۳۹۳). با توجه به مقدار Q^2 هر دو سازه درونزا، نشان از قدرت قوی مدل در

خصوص این سازه‌ها دارد و برازش مناسب مدل ساختاری پژوهش را بار دیگر تأیید می‌کند.

جدول شماره ۶: مقدار Q^2 در پیش بینی مدل اول

Constructed Cross validated Redundancy			
1-SSE/SSO	SSE	SSO	Total
۰/۳۱۸۵	۶۶۷/۷۷۷۲	۹۸۰/۰۰۰۰	Q FR
۰/۳۶۳۹	۶۲۳/۳۰۷۳	۹۸۰/۰۰۰۰	Tax Avoid

برازش مدل کلی

مدل کلی شامل هر دو بخش مدل اندازه‌گیری و ساختاری می‌شود و با تأیید برازش آن، بررسی برازش در یک مدل کامل می‌شود. برای بررسی برازش مدل کلی، تنها یک معیار به نام GOF^{37} استفاده می‌شود که سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ به‌عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF ، در نظر گرفته می‌شود. حاصل شدن مقدار ۰/۵۷۳ برای GOF نشان از برازش کلی قوی مدل در پژوهش حاضر دارد.

نتایج آزمون فرضیه‌ها

با توجه به الگوریتم تحلیل داده‌ها در برازش مدل اندازه‌گیری، می‌توان به بررسی و آزمون فرضیه‌های تحقیق پرداخت و به یافته‌های پژوهش رسید. این بخش شامل دو قسمت به شرح زیر است:

بررسی ضرایب معناداری Z مربوط به هر یک از فرضیه‌ها

خروجی مدل که پیش‌ازاین در شکل شماره ۲ آمده است، نشان می‌دهد که معناداری ضرایب تمامی مسیرها بیشتر از ۱/۹۶ است و این مطلب حاکی از معنادار بودن تأثیر مستقیم حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرس بر اجتناب مالیاتی و معنادار بودن تأثیر غیرمستقیم حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرس از طریق متغیرهای میانجی عملکرد مالی و کیفیت گزارشگری مالی دارد. به عبارتی هر چهار فرضیه این پژوهش رد نمی‌شود.

بررسی ضرایب استانداردشده مسیرهای مربوط به فرضیه‌ها

بعد از بررسی معنادار بودن تأثیر مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای حاکمیت شرکتی و کیفیت گزارشگری مالی، حال نوبت به آن است که شدت این تأثیرات را بررسی نماییم. خروجی مدل شماره ۲ نشان دهنده شدت تأثیرات متغیرهاست.

تعیین شدت تأثیر میانجی

برای تعیین شدت تأثیر متغیر میانجی، علاوه بر موارد ذکر شده در قسمت بالا، از آماره‌ای به نام VAF استفاده می‌شود که مقداری بین ۰ و ۱ را اختیار می‌کند و هر چه این مقدار به ۱ نزدیک‌تر باشد، نشان از قوی‌تر بودن تأثیر متغیر میانجی دارد. در واقع این مقدار، نسبت اثر غیرمستقیم بر اثر کل را می‌سنجد. همچنین برای آزمودن تأثیر یک متغیر میانجی، یک آزمون پر کاربرد به نام آزمون سوبل نیز وجود دارد که برای معناداری تأثیر میانجی یک متغیر در رابطه میان دو متغیر دیگر به کار می‌رود. در آزمون سوبل، یک مقدار Z -Value به دست می‌آید که در صورت بیشتر شدن این مقدار از $1/96$ می‌توان در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار بودن تأثیر میانجی یک متغیر را تأیید نمود.

مقدار VAF و سوبل مسیر متغیر مستقل حاکمیت شرکتی، متغیر میانجی کیفیت گزارشگری مالی و متغیر وابسته اجتناب مالیاتی به ترتیب معادل با $0/320$ و $5/578$ و مقدار VAF و سوبل مسیر متغیر مستقل کیفیت حسابداری، متغیر میانجی کیفیت گزارشگری مالی و متغیر وابسته اجتناب مالیاتی به ترتیب معادل با $0/208$ و $5/308$ می‌باشد.

مروری بر نتایج به دست آمده از پژوهش

نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان داد که:

۱. حاکمیت شرکتی به میزان ۱۹۷٪ از تغییرات متغیر اجتناب مالیاتی را به‌طور مستقیم (بدون متغیر میانجی) تبیین می‌کند.
۲. مقدار ضریب مسیر در فرضیه شماره ۱ معادل $0/197$ و آماره t معادل $5/544$ است که نشان می‌دهد حاکمیت شرکتی در جهت مستقیم نرخ مؤثر هزینه مالیات (معیار

معکوس اجتناب مالیاتی) است. به عبارتی با افزایش و بهبود سازوکارهای حاکمیت شرکتی، اجتناب مالیاتی کاهش پیدا می کند.

۳. حاکمیت شرکتی به طور غیرمستقیم و از طریق متغیر میانجی کیفیت گزارشگری مالی، به میزان $9\% (0/327 \times 0/283)$ بر متغیر اجتناب مالیاتی تأثیر دارد. به عبارتی با افزایش سازوکارهای حاکمیت شرکتی، کیفیت گزارشگری مالی افزایش یافته و افزایش کیفیت گزارشگری مالی باعث افزایش نرخ مؤثر هزینه مالیات (معیار معکوس اجتناب مالیاتی) می شود؛ به عبارتی افزایش کیفیت گزارشگری مالی باعث کاهش اجتناب مالیاتی می گردد.

۴. طبق معیارهای فوق، تأثیر مستقیم حاکمیت شرکتی بر اجتناب مالیاتی، قوی تر از تأثیر غیرمستقیم و از طریق متغیر میانجی کیفیت گزارشگری مالی است؛ اما طبق آزمون VAF، 32% از اثر حاکمیت شرکتی بر اجتناب مالیاتی از طریق غیرمستقیم توسط متغیر میانجی کیفیت گزارشگری مالی تبیین می شود. طبق این معیار، تأثیر غیرمستقیم حاکمیت شرکتی از طریق متغیر میانجی کیفیت گزارشگری مالی، بیشتر از تأثیر مستقیم (19%) حاکمیت شرکتی بر اجتناب مالیاتی است.

۵. با توجه به آزمون سوبل نیز تأثیر متغیر میانجی کیفیت گزارشگری مالی بر رابطه بین حاکمیت شرکتی و اجتناب از پرداخت مالیات شرکت، تأثیر گذار است.

۶. کیفیت حسابرسی به میزان 37% از تغییرات متغیر اجتناب مالیاتی را به طور مستقیم تبیین می نماید.

۷. مقدار ضریب مسیر در فرضیه شماره ۲ معادل $0/370$ و آماره t معادل $9/602$ است که نشان می دهد کیفیت حسابرسی در جهت مستقیم نرخ مؤثر هزینه مالیات (معیار معکوس اجتناب مالیاتی) است. به عبارتی با افزایش کیفیت حسابرسی، اجتناب مالیاتی کاهش پیدا می کند.

۸. کیفیت حسابرسی به طور غیرمستقیم و از طریق متغیر میانجی کیفیت گزارشگری مالی، به میزان $10\% (0/343 \times 0/283)$ بر متغیر اجتناب مالیاتی تأثیر دارد. به عبارتی

تأثیر مستقیم کیفیت حسابرسی بر اجتناب مالیاتی، قوی‌تر از تأثیر غیرمستقیم و از طریق متغیر میانجی عملکرد مالی است. طبق آزمون VAF نیز ۲۱٪ از اثر کیفیت حسابرسی بر اجتناب مالیاتی از طریق غیرمستقیم توسط متغیر میانجی کیفیت گزارشگری مالی تبیین می‌شود. طبق این معیار، تأثیر غیرمستقیم کیفیت حسابرسی از طریق متغیر میانجی کیفیت گزارشگری مالی بازم کم‌تر از تأثیر مستقیم (۳۷٪) کیفیت حسابرسی بر اجتناب مالیاتی است.

۹. از آنجایی که متغیرهای آشکار کیفیت حسابرسی، اندازه مؤسسه حسابرسی و تخصص حسابرس در صنعت می‌باشد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که مؤسسات حسابرسی بزرگ‌تر دارای کیفیت حسابرسی بیشتری بوده و این امر باعث کاهش اجتناب مالیاتی می‌شود. همچنین تخصص حسابرس در صنعت نیز باعث کاهش اجتناب از پرداخت مالیات می‌شود.

۱۰. نتیجه به دست آمده از تأثیر حاکمیت شرکتی بر اجتناب مالیاتی، همسو با تحقیقات شاکلفورد و شلوین^{۳۳} (۲۰۰۱)، ریچاردسون و همکاران (۲۰۱۴)، خدای پور و رستمی (۱۳۹۳) و مخالف با تحقیق بادرستچر و همکاران^{۳۴} (۲۰۱۳) و باباجانی و عبدی (۱۳۸۹) است.

۱۱. نتیجه به دست آمده از تأثیر کیفیت گزارشگری مالی بر اجتناب مالیاتی، همسو با تحقیق آتوود و همکاران^{۳۵} (۲۰۱۰) و مخالف با تحقیق پارسا و همکاران^{۳۶} (۲۰۰۷) است.

پیشنادهای ناشی از یافته‌های پژوهش

۱. از آنجایی که متغیرهای آشکار حاکمیت شرکتی در این پژوهش، درصد اعضاء غیرموظف هیئت مدیره، تمرکز مالکیت و سهامداران نهادی است، می‌توان نتیجه گرفت که با افزایش این سه متغیر، میزان اجتناب از پرداخت مالیات کاهش پیدا می‌کند. از بُعد نظری هر سه متغیر آشکار حاکمیت شرکتی، باعث نظارت بیشتر بر

شرکت شده و انتظار می‌رود که این افزایش نظارت، باعث کاهش اجتناب از پرداخت مالیات شود. لذا پیشنهاد می‌شود در راستای پیشگیری از اجتناب از پرداخت مالیات به این سه مقوله توجه شود.

۲. با افزایش ساز و کارهای حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی، کیفیت گزارشگری مالی افزایش می‌یابد و کیفیت گزارشگری مالی، باعث کاهش اجتناب از پرداخت مالیاتی می‌شود. لذا پیشنهاد می‌گردد سازمان‌های قانونی و مالیاتی و همچنین بورس اوراق بهادار تهران، به کیفیت گزارشگری مالی، توجه ویژه‌ای نمایند.

۳. با توجه به تأثیر مستقیم (بدون دخالت متغیرهای میانجی) کیفیت حسابرسی بر اجتناب مالیاتی، پیشنهاد می‌گردد شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار، به تخصص مؤسسه حسابرسی و اعتبار و بزرگی آن توجه نموده و در این راستا باعث کاهش اجتناب مالیاتی شوند.

پیشنادهایی برای پژوهش‌های آتی

۱. پیشنهاد می‌شود تحقیق حاضر در سطح صنایع مختلف و به تفکیک انجام پذیرد.
۲. با توجه به گستردگی بحث اجتناب مالیاتی، پیشنهاد می‌شود متغیرهای آشکار آن با استفاده از سایر رویکردها (مانند رویکردهای اقتصادی، روانشناسی، اجتماعی و محیطی) اندازه‌گیری شده و اثر سایر متغیرها بر روی آن مورد پژوهش قرار گیرد.
۳. با توجه به اینکه، عمدتاً تحقیقات صورت گرفته از طریق Smart PLS به صورت میدانی و پرسشنامه‌ای است پیشنهاد می‌گردد اندازه‌گیری متغیرهای مکنون این پژوهش به صورت پرسشنامه انجام پذیرد.

محدودیت‌های پژوهش

۱. با توجه به محدود بودن جامعه آماری به شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران و این که سال مالی آنها منتهی به پایان اسفندماه است، تسری نتایج به سایر شرکت‌ها بایستی با احتیاط انجام گیرد.

۲. در اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی اجماع نظر وجود ندارد، در نتیجه بر اساس دیدگاه‌های مختلف روش‌های متفاوتی (مانند نرخ مؤثر هزینه مالیاتی، تفاوت مالیات ابرازی و قطعی و ...) برای اندازه‌گیری آنها وجود دارد؛ بنابراین ممکن است استفاده از روش‌های متفاوت بر نتایج تحقیق اثرگذار باشد.

۳. در فرآیند پژوهش علمی بویژه در علوم انسانی مانند حسابداری، مواردی وجود دارد که خارج از کنترل پژوهشگر است و به‌طور بالقوه می‌تواند نتایج پژوهش را تحت تأثیر قرار دهد. هدف از این پژوهش، مدل‌سازی اجتناب از پرداخت مالیات با استفاده از اطلاعات حسابداری است؛ لذا در صورت اعمال سایر متغیرهای احتمالی تأثیرگذار بر روی اجتناب از پرداخت مالیات مانند شرایط اقتصادی کلی کشور، نرخ تورم، روابط اجتماعی بین مؤدی و سازمان مالیاتی و ...، احتمالاً نتایج پژوهش تغییر می‌کند.

یادداشت‌ها

- | | |
|---|-----------------------------|
| 1. Bird | 2. Slemrod |
| 3. Rego | 4. Lim |
| 5. Tax Game | 6. Pickhardt and Prinz |
| 7. Gordon | 8. Torgler |
| 9. Alm and Jacobson | 10. Alm |
| 11. Bloomquist | 12. Maydew and Shackelford |
| 13. Wilson | 14. Rego and Wilson |
| 15. Richardson, Lanis and Leung | |
| 16. Armstrong, Blouin, Jagolinzer and Larcker | |
| 17. Sobel Test | 18. Variance Accounted For |
| 19. Hulland | 20. Cronbachs Alpha |
| 21. Composite Reliability | 21. Composite Reliability |
| 22. Fornell and Larcker | 23. Shackelford and Shevlin |
| 24. Badertscher, Katz and Rego | 25. Atwood, Drake and Myers |
| 26. Parsa, Chong and Isimoya | 27. Goodness of Fit |

References

- Alm, J. (2012). Designing alternative strategies to reduce tax evasion. *Tax Evasion and the Shadow Economy*, 13-32.
- Alm, J., Jacobson, S. (2007). Using laboratory experiments in public economics. *National Tax Journal*, 129-152.

- Armstrong, C.S., Blouin, J.L., Jagolinzer, A.D., Larcker, D.F. (2015). Corporate governance, incentives, and tax avoidance. *Journal of Accounting and Economics*, 60(1), 1-17.
- Atwood, T., Drake, M.S., Myers, L.A. (2010). Book-tax conformity, earnings persistence and the association between earnings and future cash flows. *Journal of Accounting and Economics*, 50(1), 111-125.
- Babajani, J., Abdi, M. (2010). Relationship between corporate governance and enterprises taxable profit. *Financial Accounting Research*, 2(3), 65-86 [In Persian].
- Badertscher, B.A., Katz, S.P., Rego, S.O. (2013). The separation of ownership and control and corporate tax avoidance. *Journal of Accounting and Economics*, 56(2-3), 228-250.
- Bird, R.M. (1992). *Tax Policy and Economic Development*: Johns Hopkins University press.
- Bloomquist, K. (2011). Tax compliance as an evolutionary coordination game: An agent-based approach. *Public Finance Review*, 39(1), 25-49.
- Davari, A., Rezazadeh, A. (2014). *Structural Equation Modeling with PLS*. Jahad Daneshgahi, Second Edition.
- Fornell, C., Larcker, D.F. (1981). Evaluating structural equation models with unobservable variables and measurement error. *Journal of Marketing Research*, 18(1), 39-50.
- Gordon, J.P. (1989). Individual morality and reputation costs as deterrents to tax evasion. *European Economic Review*, 33(4), 797-805.
- Hulland, J. (1999). Use of partial least squares (PLS) in strategic management research: A review of four recent studies. *Strategic Management Journal*, 20(2), 195-204.
- Khajavi, S., Kiamehr, M. (2015). The relation study of auditing quality and tax avoidance in listed companies of Tehran stock Exchange. *Journal of Tax Research*, 23(26), 87-108 [In Persian].
- Khani, A., Imani, K., Mollaei, M. (2013). Examine the relationship between auditor industry specialization and tax avoidance firms listed in the Tehran Stock Exchange. *Auditing Knowledge*, 51, 61-78 [In Persian].
- Khodamipour, A., Roostaie, S. (2014). The investigation of relationship between smoothing taxable income whith tax avoidance and its information content. *Journal of Accounting Knowledge and Management Auditing*, 3(10), 35-46 [In Persian].
- Lim, Y. (2011). Tax avoidance, cost of debt and shareholder activism: Evidence from Korea. *Journal of Banking & Finance*, 35(2), 456-470.

- Maydew, E.L., Shackelford, D.A. (2005). The changing role of auditors in corporate tax planning: *National Bureau of Economic Research*.
- Modares, A., barji, H.Z. (2013). A review of information content between difference definite tax and declaration tax. *Management Accounting*, 6(17), 15-28 [In Persian].
- Parsa, S., Chong, G., Isimoya, E. (2007). Disclosure of governance information by small and medium-sized companies. Corporate governance: *The International Journal of Business in Society*, 7(5), 635-648.
- Pickhardt, M., Prinz, A. (2014). Behavioral dynamics of tax evasion– a survey. *Journal of Economic Psychology*, 40, 1-19.
- Pourheidari, O., Sarvestani, A. (2012). Investigating the effect of firm characteristics, Industry type and institutional ownership on the difference between declared and definite tax of firms listed in Tehran Stock Exchange. *Journal of Tax Research*, 20(14), 61-78 [In Persian].
- Pourheidari, O., Sarvestani, A. (2013). Identifying and explaining the effective factors on the tax management. *Journal of Accounting Knowledge and Management Auditing*, 4(12), 89-110 [In Persian].
- Rego, S.O. (2003). Tax-avoidance activities of US multinational corporations. *Contemporary Accounting Research*, 20(4), 805-833.
- Rego, S.O., Wilson, R. (2012). Equity risk incentives and corporate tax aggressiveness. *Journal of Accounting Research*, 50(3), 775-810.
- Richardson, G., Lanis, R., Leung, S.C.M. (2014). Corporate tax aggressiveness, outside directors, and debt policy: An empirical analysis. *Journal of Corporate Finance*, 25, 107-121.
- Shackelford, D.A., Shevlin, T. (2001). Empirical tax research in accounting. *Journal of Accounting and Economics*, 31(1), 321-387.
- Slemrod, J. (2004). *The Economics of Corporate Tax Selfishness*: National Bureau of Economic Research.
- Torgler, B. (2007). *Tax Compliance and Tax Morale: A Theoretical and Empirical Analysis*: Edward Elgar Publishing.
- Wilson, R.J. (2009). An examination of corporate tax shelter participants. *The Accounting Review*, 84(3), 969-999.